



## پیروی علامه طباطبایی از شیوه آیت الله قاضی در تفسیر و حدیث

بیست و چهارم آبان ماه سالروز ارتحال مفسر قرآن مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی است که با توجه به ابعاد وجودی این شخصیت بزرگ لازم است همیشه یاد و نام و رسم و مرام او زنده و جاوید باشد.

بیست و چهارم آبان ماه سالروز ارتحال مفسر قرآن مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی است که با توجه به ابعاد وجودی این شخصیت بزرگ لازم است همیشه یاد و نام و رسم و مرام او زنده و جاوید باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، امروز بیست و چهارم آبان ماه سالروز ارتحال مفسر کبیر قرآن مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی است که با توجه به ابعاد وجودی این شخصیت بزرگ لازم است همیشه یاد و نام و رسم و مرام او زنده و جاوید باشد. مرتضی نجفی قدسی در یادداشتی در این خصوص نوشته است:

علامه طباطبایی را می توان الگویی کامل و تمام عیار برای روحانیت شیعه بر شمرد که در جامعیت علم و عمل کم نظیر بود و آثار علمی گرانبهایی را به یادگار گذاشت و شاگردان بسیار برجسته ای را هم تربیت کرد. او در فقه و اصول به مدت ده سال از محضر بزرگانی چون شیخ محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) و سید ابوالحسن اصفهانی کسب فیض کرده بود.

در فلسفه و حکمت از شاگردان برجسته آیت الله سید حسین بادکوبه ای در نجف اشرف بود و در اخلاق و عرفان هم از محضر عارف بزرگ و عظیم الشان مرحوم آیت الله میرزا علی آقا قاضی طوری بهره مند شده بود که می فرمود:

ما هر چه داریم از مرحوم قاضی داریم!

شاکله علامه طباطبایی در تفسیر قرآن نیز متأثر از مرحوم میرزا علی آقا قاضی بود بطوری که می فرمایند: مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولایی داشتند و این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر از مسیر و ممشای ایشان پیروی می کنیم و در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین (ع) ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث که «فقه الحدیث» گویند را از ایشان آموخته ایم.

علامه طباطبایی از اوان جوانی کسب علم و تهذیب نفس را به موازات هم پیش برده بود و بسیاری از شب ها در مسجد کوفه و یا مسجد سهله و یا حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف به عبادت و تفکر و تزکیه نفس می پرداخت. او به دستورات اخلاقی و سیر و سلوکی مرحوم قاضی به شدت عمل می کرد و صفحه دل وجودش را آماده پذیرش اشراقات و الهامات عینی می نمود.

دعوت آمریکا از علامه طباطبایی

او در حکمت و فلسفه سرآمد فیلسوفان محسوب می شد بطوری که در هفتاد سال پیش آمریکایی ها به عظمت علمی او پی بردند و تلاش داشتند او را برای کرسی تدریس فلسفه به آمریکا ببرند و ایشان قبول نمی کرد حتی دولت آمریکا برای انجام اینکار متوسل به شاه ایران شد تا بلکه ایشان به آمریکا برود و محمد رضا شاه هم درخواست آمریکا را به مرحوم آیت الله بروجردی مرجعیت اعلاای شیعه در قم منتقل کرد و آیت الله بروجردی هم پیغام رسانی کردند ولی علامه طباطبایی با این سفر و اقامت در آمریکا موافقت نکردند!

عظمت تفسیر المیزان

یکی از شاهکارهای علامه طباطبایی نگارش تفسیر المیزان در ۲۰ جلد است که بیست سال هم بطول انجامید. روش علامه طباطبایی در تفسیر بر این بوده است که آیات را بر مبنای «ان القرآن یفسر بعضه بعضا» با استفاده از آیات دیگر تفسیر نماید و البته علاوه بر آنها بحث های روایی، فلسفی، علمی، اجتماعی و تاریخی هم به طور مجزا دارد.

در تعریف و تمجید از تفسیر المیزان علما و بزرگان سخنان بسیاری گفته اند، مرحوم شهید آیت الله مطهری می فرماید: من می توانم ادعا کنم که تفسیر المیزان بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است!

شهید مطهری در توصیف علامه طباطبایی می افزاید: این مرد واقعاً یکی از خدمتگزاران بسیار بزرگ اسلام است، او به راستی مجسمه تقوی و معنویت است و در نهایت تهذیب نفس مقامات بسیار عالی را طی کرده است؛ مردی است که صد سال دیگر تازه باید بنشینند و افکار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند.

مرحوم شیخ جواد مغنیه از محققان و نویسندگان بزرگ شیعه در لبنان گفته بود از وقتی که تفسیر المیزان به دست من رسیده است، عملاً کتابخانه من تعطیل شده چون پیوسته مطالعه من المیزان شده است. تألیف کتابهای درسی «بداية الحکمه» و «نهایة الحکمه»، اصول فلسفه و روش رئالیسم با حواشی مرحوم شهید مطهری از آثار ارزشمند علمی علامه طباطبایی در بخش حکمت و فلسفه است که بسیار برای طلاب و فضلا و دانشجویان و اساتید قابل استفاده است.

تألیف «رسالة الولاية»، شیعه در اسلام، حکومت در اسلام، وحی یا شعور مرموز، قرآن در اسلام و سنن النبی (ص) نیز از دیگر تألیفات ارزشمند علامه طباطبایی است که بحمدالله تاکنون به زبانهای مختلف ترجمه شده است. یکی از تلاش های مهم و بین المللی علامه طباطبایی، مجموعه مصاحبه هایی است که با فیلسوف معروف فرانسوی پروفیسور هانری کربن داشته اند و مجموع بیانات علامه طباطبایی در این جلسات که در تهران تشکیل می شد ضبط و منتشر می شد و هانری کربن نیز آنها را در اروپا منتشر می کرد.

هانری کربن معتقد بود که یگانه مذهب زنده و اصیل که هنوز در دنیا نمرده است، مذهب شیعه است چون قائل به وجود امام حی و زنده است و اساس اعتقاد خود را بر این مبنا می گذارد و با اتکاء و اعتماد به حضرت مهدی قائم آل محمد حجت بن الحسن العسکری پیوسته زنده است.

مرحوم مهندس عبدالباقی فرزند علامه طباطبایی نقل می کند که یک روز بدون اینکه ما سوالی از پدر کرده باشیم رو به ما کرد و با بشاشت و نشاط خاصی فرمودند: این پروفیسور کربن به اسلام مؤمن شده ولی رویش نمی شود که ایمانش را به زبان بیاورد! چند صباحی از این جمله پدرم گذشت و یک روز پروفیسور کربن در یک کنفرانس در خارج، سخنرانی جنجالی کرد و درباره امام زمان (عج) سخنان پرشوری ایراد کرد و ضمن آن گفت: «من بخاطر بحث درباره اسلام و رسیدن به این حقایق، نزدیک بود پست تحقیقی خودم را از دست بدهم، یعنی کلیسا مرا از این پست خلع کند!» پدرم وقتی از این موضوع مطلع شدند بسیار مسرور و مشغوف شدند و گفتند: نگفتم این پروفیسور کربن مؤمن به اسلام شده ولی رویش نمی شود که صریحاً اعتراف کند؟!

همانطور که اشاره شد یکی از دلایل اصلی موفقیت علامه طباطبایی، آشنایی او با عالم ربانی و مهذب نفوس مرحوم آیت الله میرزا علی آقا قاضی در نجف بود. تهذیب نفس قطعاً نیاز به استاد دارد چرا که باید بر اساس قواعد شرعی باشد و با استفاده از معارف قرآن و اهل بیت (ع) بتوانند به عرفان واقعی مورد نظر اسلام دست یابند و تا یک روحانی مهذب نباشد و متخلق نباشد و مؤدب به آداب اسلامی نباشد هیچگاه نمی تواند مبلغ اسلام باشد، حتی ممکن است عملکرد دون اخلاق و شأن روحانیت او آبروی روحانیت را هم ببرد!

ما باید به روزی برسیم که در دادگاه های ویژه روحانیت حتی یک پرونده هم از روحانیون نباشد و مردم روحانیت را همانند گذشته ای طولانی همواره نورانی و با اخلاص و پشت و پناه خود ببینند. قبل از انقلاب تقریباً همه ورودی های حوزه در درجه اول به فکر انسان شدن و تهذیب نفس بودند و مرتب به سراغ بزرگانی مانند علامه طباطبایی می رفتند تا بلکه معنویت پیدا کنند.

علامه طباطبایی و ذکر یونسیه

یکی از فضایل حوزه برایم نقل کرد که در اوایل طلبگی که تازه وارد حوزه شده بودم یک روز به درب خانه علامه طباطبایی رفتم و عرض کردم آقا من تازه طلبه شدم و دوست دارم اهل معنویت باشم، خواهش می کنم به من توصیه ای بفرمائید که علامه طباطبایی در جواب درخواست من فرمودند: شما به ذکر «یونسیه» مداومت داشته باشید (منظور از آیه شریفه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین).

آن طلبه گفت من دیدم که این ذکر را بلدم، به علامه عرض کردم آقا جان! یک ذکر دیگر هم بفرمائید، علامه طباطبایی در جواب فرمودند: شما باید اول بر این ذکر مداومت داشته باشید تا آثار آن پدیدار شود، هر وقت آثارش پدیدار شد تشریف بیاورید ذکر بعدی را عرض کنم، او می گوید من به علامه گفتم آثارش چی باید باشد تا من بفهمم اثرش از ذکر یونسیه حاصل شده که در اینجا علامه به خیابان صفائیه اشاره کردند و فرمودند: اثرش باید این باشد که هر وقت شما از خیابان صفائیه رد شدید، صدای تسبیح این درختان را بشنوید!!».

بله! تهذیب نفس باید این جور باشد که مانند خود علامه صدای تسبیح موجودات را بشنوی آنوقت خواهید دید که مردم چنین

روحانیون نورانی را چگونه عزت و احترام و تکریم کنند چون باید آثار «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود» که کنایه از نورانیت و معنویت است در چهره مؤمنین پدیدار باشد.